



نگاه شده است و این طور نیست که فقط به راهبرد منبع محور توجه شده باشد. منابعی وجود داشته و بازار نیز مورد توجه بوده است، اما وزن استراتژی منبع محور در کشورهای دارای منابع از جمله ایران نسبت به راهبرد بازار محور بیشتر بوده است. به طوری که در ۱۰ یا ۲۰ سال گذشته، واحدهای مگاتنی احداث شده و هنگامی که واحد مگاتنی احداث می شود، مفهوم آن این است که منابع زیادی موجود است و محصولات عمومی تولید می شود که بازار بزرگی دارند و نگرانی سرمایه گذار برای فروش کمتر است.

اما برای تولید محصولات خاص صنعت، باید به برندینگ، بسته بندی، استانداردهای خاص، سلیقه مشتری و... بیشتر توجه کرد، در نتیجه کار سخت تر می شود و مقیاس پایین می آید. مانند واحدهای پلی استال و ای پی دی ام که واحدهای کوچک ۳۰ تا ۴۰ هزار تنی هستند و در دنیا نیز بازار بزرگی ندارند و به راحتی فروش محصول مقدور نیست. باید از قبل روی بازار کار شود تا بازار مورد نظر کسب شود. از سوی دیگر،

آیا روند توسعه صنعت پتروشیمی ایران از ابتدای تأسیس درست بوده است؟

به صورت کلی می توان گفت دو نوع راهبرد توسعه در صنعت پتروشیمی وجود دارد؛ توسعه این صنعت می تواند منبع محور باشد یا بر اساس کشش بازار صورت گیرد. کشورهای مختلف بر اساس موقعیت های مختلفی که دارند، متفاوت رفتار می کنند. کشورهایی که صاحب منابع هستند، مانند ایران، منبع محور پیش رفته اند، اگرچه مطالعات بازار را هم به طور طبیعی انجام داده اند. مسیر توسعه بر اساس کشش بازار را کشورهایی در پیش می گیرند که فناوری خوب و بازار مصرف بزرگی دارند، یا تمایل دارند بازار مصرف دنیا را کسب کنند، بنابراین با مطالعه بازار مصرف، نوع محصول و راه های تأمین خوراک را انتخاب کرده و تولید آن را پیش می برند؛ مانند چین که بازار مصرف بزرگی دارد و راهبرد این کشور بر این اساس است که بتواند بازارهای بیشتری را در دنیا بگیرد. در مقطعی در کشور ما نیز هر دو راهبرد

محدود مانند متانول پیش ببرند و پس از آن فقط فروش داشته باشند و بیش از آن در زنجیره حرکت نکنند و این یک تقسیم کار نانوشته و کاملاً استعماری است و روحیه انقلابی و ضد استعماری ناشی از تعالیم حضرت امام خمینی (ره) آن را قبول نداشته و در واقع مانند دیگر حوزه ها، ما در حوزه صنعت پتروشیمی هم نوعی تقابل و جنگ را با کشورهای استعمارگر دنبال می کنیم.

بنابراین این موضوع که ایران در این سال ها تحریم بوده یا نبوده و فناوری هایی را نمی توانست در اختیار بگیرد، پژوهشگران را به سمتی برده که فناوری های متعددی را کسب کنند. مانند موضوع کاتالیست. هم اکنون دغدغه کاتالیست روی میز ایران نیست، زیرا پژوهشگران ایرانی به سمت داخلی سازی آن حرکت کردند و دیگر مجتمعی به دلیل نبود کاتالیست خطر توقف تولید ندارد و حتی ایران صادرکننده کاتالیست هم شده است.

حوزه شرکت های مهندسی ساخت نیز از دیگر مسائل است که تغییر زیادی در این دوران داشته اند. این دانش با فرایندهای پیچیده به شرکت های مهندسی ایرانی آمد. شرکت هایی که می توانند مهندسی تفصیلی، طراحی و مهندسی پایه انجام دهند و به سمت اجرا حرکت کنند. پکیج مهندسی طرح، پیش از این همه خارجی بوده، اما شرکت های مهندسی ایرانی در حوزه ساخت پروژه ها هم اکنون بسیار قوی شده اند و رشد کردند.

بخش ساخت تجهیزات و ماشین آلات در شرکت های تأمین کننده در زنجیره تأمین نیز بخش دیگری است که در کنار صنعت پتروشیمی قرار گرفته است. خوشبختانه شرکت های سازنده ایرانی در زنجیره تأمین، از ساخت کمپرسورهای پیچیده تا یک سری قطعات و سازه های فلزی که مهندسی پیچیده ای ندارند، به این توانمندی رسیده اند. هم اکنون بیش از ۷۵ درصد ساخت تجهیزات صنعت پتروشیمی در کشور انجام می شود.

افزون بر این، در بهره برداری هم تغییر بسیار عمده ای دیده می شود. پیش از انقلاب بهره برداری ها در دست مهندسان خارجی بود، اما هم اکنون به راحتی از سوی متخصصان داخلی انجام می شود. در حوزه محصولات نیز تنوع محصولات، پیچیدگی محصولات به سمت محصولات با ارزش تر و با کیفیت تر پیش رفته است.